

در بخش اول این مطلب گفته شد که ارزش‌ها همان عقاید، باورها و اصولی هستند که برای فرد مهم‌اند و او اگر از هر چه بگذرد، اما گذشتن از این موضوعات برایش سخت است. هم‌چنین اشاره شد که چگونه خانواده به عنوان مؤثرترین منبع در شکل‌گیری نظام ارزشی فرد ایفای نقش می‌کند و با شروع نوجوانی و هویت‌یابی چگونه نوجوان سعی در یافتن ارزش‌های خود دارد. سپس نقش بزرگ نظام ارزشی در شکل‌گیری رفتار، نحوه قضاوت، تصمیم‌گیری و خلاصه سبک زندگی فرد مطرح شد.

بی‌تابی در تربیت! امرکز

ممکن است جواب عکس دهد. پس تنها یک راه می‌ماند: **صبر، صبر و صبر.**

در این فرآیند آرام اما پیوسته، مراحل تدریجی انتقال ارزش‌ها از این قرار است:

○ **ارزش‌های خود را شناسایی کنید**

درباره ارزش‌های خود بیندیشید. آن‌ها را با همراه زندگی خود (در خانه) یا همکاران خود (در مدرسه) در میان گذاشته و هر کدام را براساس اولویت‌ها دسته‌بندی کنید. آن‌گاه به انتقال هوشمندانه آن فکر کنید. در ضمن یادتان نرود صبور بوده و تعجیل نداشته باشید. به آرامی پیش بروید و به فرزندتان مهلت دهید.

- نمونه: خانم و آقای دلشاد اهل مطالعه‌اند و مطالعه برایشان بسیار مهم است. آن‌ها مایلند این ارزش مهم را به فرزندشان انتقال دهند.

○ **الگوی خوبی باشید**

هر ارزشی را که مایلید به فرزندتان یا دانش‌آموزتان انتقال دهید، پیش از هر چیز خود بایستی الگوی انجام آن باشید. به جای این‌که بگویید «آن‌چه که می‌گویم انجام

سؤال بزرگ والدین و مربیان همواره این است که چگونه می‌توان فرزند یا دانش‌آموز خود را آشنا و پای‌بند ارزش‌های خویش و یا ارزش‌های انسانی و متعارف اجتماعی کرد؟ چگونه بدون اعمال زور و اجبار، تلقین و القا و دستور و دیکته می‌توان آن‌ها را به سمت راه درست هدایت کرد؟ چگونه باید حسن نیت خود را نشان داد؟ چگونه باید آن‌ها را از عواقب و خطرات و آسیب‌ها مطلع کرد؟ و دهها سؤال و نگرانی دیگر...

تکرار این نکته به عنوان شاه‌کلید پاسخ تمام این سؤالات لازم است. لطفاً جمله بعدی را چند بار بخوانید! **راهش آرام آرام خوراندن، چکه چکه ریختن، کم کم فهماندن، به تدریج دادن و آهسته آهسته تزییق کردن است.** باری بر این روش تأکید زیادی می‌شود و در دل این همه تأکید، دعوت مربیان به صبر نهفته است. یک شبه و حتی یک ساله نمی‌توان همه آن‌چه را که روشن‌کننده کل راه و روش زندگی یک انسان محسوب می‌شود واگذار کرد. انتقال ارزش‌ها با تعجیل و فشار و یا زور و اجبار سازگاری ندارد. و با ترس و ارعاب نیز چه بسا

انتقال ارزش‌ها با تعجیل و فشار و یا زور و اجبار سازگاری ندارد



بده» بایستی بگویید «آن چه من انجام می‌دهم شما هم انجام بده». بچه‌ها بیشترین تأثیرپذیری و یادگیری را از راه مشاهده کسب می‌کنند.

- نمونه: خانم و آقای دلشاد خودشان اهل مطالعه مداومند. فرزندشان بارها مادر و پدر را در حال مطالعه کتب، مجلات و روزنامه دیده و شاهد احساس و رفتار خوش آن‌ها و حتی صحبت پدر و مادر درباره یافته‌هایشان از مطالعه بوده است.

○ فرزندان را با ارزش‌ها درگیر کنید

از سنین پایین فرزندتان را در آن چه که برایتان ارزشمند است وارد و با آن همراه کنید. لحظات و در نتیجه خاطرات شیرین را در این اعمال دخیل کنید. زمانی از ارزش‌ها بگویید یا بچه‌ها را درگیر ارزش‌ها کنید که در بهترین سطح انرژی و حال رفتاری خود هستید. خوشرویی، ایجاد لحظات خوش و به یاد ماندنی در ماندگاری ارزش مؤثر است. اجازه دهید فرزندتان تا جایی که ممکن است عملاً درگیر و شریک شود.

- نمونه: خانواده دلشاد در وقت‌های مناسب و به طور کلی زمانی که سرحال هستند برای فرزندشان کتاب می‌خوانند. او را به کتابفروشی و کتابخانه می‌برند و ضمناً در کنار تخته‌نویز کتابخانه کوچک زیبایی گذاشته‌اند.

○ در امور داوطلبانه و خیر خواهانه ارزش را عرضه کنید

برای فرزندانتان احساس خوش دستگیری و نودوستی و کمک به دیگران را با انتقال مفاهیم و ارزش‌ها عین کنید. همراه شدن ارزش با فعالیت‌های انسان دوستانه و خیر خواهانه ضمن تقویت حس همدلی و رضایتمندی، سودمندی ارزش را پررنگ‌تر می‌کند.

- نمونه: خانواده دلشاد هر سال قبل از شب عید در بازارچه خیریه شرکت می‌کنند و تعدادی از کتاب‌های خود را به نفع کمک به دیگران می‌فروشند. آن‌ها فروشنده‌هایی متفاوتند و می‌توانند به مشتریان به طور دقیق بگویند که کتاب درباره چیست و خودشان از خواندن آن چه سود یا لذتی برده‌اند. از سوی دیگر، در بازارچه برای دیگران کتاب هم می‌خوانند.

○ رابطه مثبت ایجاد کنید

هنگامی که ارزشی را به آرامی به فرزند خود القا می‌کنید، مطمئن باشید که با محبت و عشق و در فضایی کاملاً عاطفی با او برخورد می‌کنید. تندی و درستی، آمرانه و طلبکارانه برخورد کردن، فشار و اجبار پذیرش هرگونه ارزشی را در او کم می‌کند.

- نمونه: برای خانواده دلشاد ایجاد ارتباط مثبت در زمان کتاب خواندن کار ساده‌ای است. آن‌ها هنگامی که کتاب می‌خوانند فرزندشان را بر روی پا یا در کنار خود می‌نشانند

و یا او را در آغوش می‌گیرند. محبت و عشق در این حالت به راحتی از آن‌ها به فرزندشان منتقل می‌شود و در نتیجه فضایی به وجود می‌آید که علاقه به خواندن را می‌آفریند.

○ انتقاد را کم کنید

انتقاد فرزندتان را از فعالیت دور می‌سازد. در انتقاد آن چه آن‌ها به عنوان پیام دریافت می‌کنند این است که «تو قادر به کامل کردن وظیفه مورد نظر نیستی و ناتوانی». به جای آن، بهتر است بر بخشی که او از عهده انجامش برآمده تمرکز کرد و به تشویق وی پرداخت.

- نمونه: خانم دلشاد از این که فرزندش بعد از چند ماه کتاب آموزش ... را برداشته و دو تصویر آن را رنگ کرده خوشحال می‌شود و به او می‌گوید: «چه قدر این تصویر با رنگ آمیزی تو زیبا شده است. خوشحالم که این کتاب را شروع کردی.»

○ به اهمیت ارزش مورد نظر تان اشاره کنید

بدون موعظه و نصیحت یا سخنوری‌های طولانی بلکه صرفاً با در نظر گرفتن وقت و مکان مناسب برای فرزندتان توضیح دهید که این ارزش برای شما چه معنایی دارد و چگونه در زندگی از آن بهره می‌برید.

- نمونه: خانم دلشاد می‌گوید «هیچ وقت احساس کسالت به من دست نمی‌دهد چون همیشه کتابی برای خواندن دارم» یا «من با خواندن کتاب حماسه حسینی شهید مطهری بود که با خیلی از تحریفات عاشورا آشنا شدم».

○ قاعده‌ها را جا بیندازید

هر موضوع و رفتاری نیازمند قواعد و ضوابطی است. قواعد و مقررات رفتاری ارزشی را که مایلید به فرزندتان انتقال بدهید، مشخص کنید.

- نمونه: خانواده دلشاد این نوشته را روی در یخچال خانه خود زده‌اند «در خانه ما بین ساعت ۷ تا ۸ بعدازظهر هیچ فعالیت تزاممی مثل روشن بودن تلویزیون یا تماس تلفنی یا فعالیت فوق برنامه‌ای صورت نخواهد گرفت. این زمان برای انجام تکالیف یا مطالعه آرام در نظر گرفته شده است. مامان و بابا»

حال اگر مایلید، برای یکی از ارزش‌هایی که دوست دارید به فرزند یا دانش‌آموز خود انتقال دهید، مراحل فوق را بنویسید و سعی کنید راه‌های عملی آن را بیابید. در خلوت و تأمل در خواهید یافت که راه‌های زیادی بلدید. از انجام کارهای خلاقانه که با روحیات شما سازگار است غافل نشوید. قدری به ارزش‌های خود و نکات فوق فکر کنید.

بگذارید در این هم‌سفر شدن دریابیم که آن چه هستیم هدیه خداوند به ماست و آن چه می‌شویم به لطف خدا و شکرگزاری از او و شاید هدیه ما به خداوند است.

چگونه می‌توان فرزند یا دانش‌آموز خود را آشنا و پای‌بند ارزش‌های خویش و یا ارزش‌های انسانی و متعارف اجتماعی کرد